یادداشت میهمان

قیام گوهرشاد

در این نوشته سعی شده تا با استناد و برمبنای مقالاتی که به دبیرخانه «اولین همایش ملی قیام گوهرشاد» ارسال و در سال ۱۳۹۵ توسط معاونت فرهنگی شهرداری مشهد در کتابی با نام «گوهرشاد» جمع‌آوری شده است، مجموعه‌ای فراهم شود تا قسمتی از داستان گوهرشاد بازخوانی شود. بنابراین از چکیده و اجماع نظر ۳۵ مقاله آن استفاده گردید و اگر توفیق باشد ادامه مقالات آن نیز در فرصتی دیگر بررسی و ارائه می‌گردد.

روی سخن این وجیزه با دختران و زنان سرزمینی است که نجابت و همت و حیاء و طهارتشان، همیشه تاریخ مورد رشک و حسد و عناد دشمنان بوده و باور نویسنده و گواه تاریخ پر فراز و نشیبی که نمی‌گذارد غیر از این اندیشید نیز، همین است. و این بدین معنا نیست که زنان و دختران سایر بلاد، نامحترم‌اند، هرگز. ولی مرور اندیشه‌ها و نگاشته‌های مورخان ایرانی و غیر ایرانی دلیلی بر ویژه بودن زنان ایرانی است و اینکه بزرگان ادب ما در آثارشان زنان را برخلاف بسیاری از منابع ادبی جهان، موجود شرور و فتانه نمی‌دانند و این اعتقاد را پیوسته در اندیشه ایرانی می‌نگارند که در مقابل زنانی که آفت بوده‌اند، زنان شریف و عفیف و عزیز بسیاری قرار داشته‌اند که هرگز نباید به آتش بدها سوزانده شوند. این شیرزنان گاهی توانسته‌اند در شجاعتی که به حیا پیچانده‌اند، از مردان نیز پیشی گرفته و خود، محور تحولات و اتفاقات مهم و مثبت جامعه شوند.

دلیل تمرکز عجیب رسانه‌های غربی بر زن و خانواده ایرانی و نوع برخوردشان با آنها که حتی با سایر زنان مسلمان دیگر نیز که همه عزیزند، متفاوت است، گویای ویژگی زنان ایرانی است که خار چشم دشمنان و لقمه گلوگیر مستکبران شده‌اند. و ما اگر زنان کهن را ندیده و تنها در ادبیات فاخر خود خوانده‌ایم ولی امثال فرنگیس حیدرپور و مادران شهدا و همسران جانبازان را که هنوز می‌توانیم ملاحظه کنیم و درس بگیریم. مادر شهید عجمیان و مادر شهید سجاد امیری که صداقت و سادگی را با طهارت به هم آمیخته و سخنانی می‌گویند که حتی بزرگ‌تر از دهان مردان مدعی وطن‌پرستی است، و نیز دخترانی که زیر فشار تبلیغاتی سخت و سهمگین دشمن، در میدان‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی از حجاب و نماز و روزه خود کوتاه نمی‌آیند، نمونه‌های اخیر پیش چشم ماست. و ما در برابر این بزرگان، کوچکیم.

قسمتی از تاریخ ویل دورانت که به تاریخ تمدن‌ها پرداخته است به رویکرد آنها به زن اشاره کرده و جایگاه زنان را در هرکدام شناسانده است که گاهی افراد ناشی، با خواندن آن ناباورانه کتاب را بسته و یک بار دیگر عنوان کتاب و نویسنده را می‌خوانند تا مطمئن شوند که مبادا یک متعصب یا مسلمان باشد که این‌گونه تاریخ تمدن غرب را به چالش کشیده است. ولی چه می‌شود کرد که اینها مدعای دانشمندان غربی است که با انکارش، خود را انکار کرده و با اعتراف به صداقتش، ریشه مسائل تأسف‌بار امروز خود را یافته‌اند. علاوه‌بر تاریخ، آنچه امروزه می‌بینیم نیز گواه صداقت این مدعاست که از نظر جهان معاصر، زن، جنس دوم و دم‌دستی است که یا در خدمت مرد و خواسته‌های اوست و یا در خدمت شرکت‌های تجاری و مدلینگ و عروسک بازی. و این سخن هرگز متعصبانه و کور نیست.

اثبات این نکته نیز تقلا نمی‌خواهد، تمرکزی می‌خواهد که دیده شود چرا حجاب زنان سرزمین حجاز و عراق و لبنان و مالزی و اندونزی و حتی زنان صهیونی که پوشیه و برقع می‌زنند و راهبه‌های مسیحی و حتی زنان منافق اردوگاه آلبانی مورد هجمه نیست ولی برای چادر و حتی یک تکه پارچه مانده بر سر برخی دختران ایرانی، خود را پاره پاره می‌کنند؟ این همه شرارت رسانه‌های غربی علیه زن و دختر ایرانی برای چیست؟ دلیل اهمیت و برتری زنان ایرانی نسبت به زنان سایر کشورها چیست؟ و چرا دشمن از زنان ما می‌ترسد؟ شاید بررسی تاریخ معاصر ما از دوره رضای پهلوی بتواند کمی روشنگری کرده و نفرت دیوانه‌وار مستکبران از زنان ایرانی را ریشه‌یابی کند.

پهلوی اول پس از آنکه در ابتدا به علماء و ظواهر دین، تظاهر به ارادت کرد و حکومتش را تثبیت کرد، همزمان پروژه پنهانی و سفارشی انگلیس را پیگیری نمود و با استفاده از اشراف‌زادگان تحصیلکرده در فرنگ، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجباری کردن استفاده از کلاه شاپو، محدود کردن فعالیت روحانیون به بهانه نظام‌مند کردن آنها و... و تبدیل کردن روسری زنان به کلاه در ۶ دیماه ۱۳۰۷یا برگزاری کنگره زنان شرق در ۱۳۱۱ زمینه تحقیر نمادهای ملی و مذهبی را برای زدن ضربه نهایی به فرهنگ اصیل ایرانی فراهم نمود. رضاشاه در اصل، جای عناصر هویتی را به عناصر وارداتی داد و همزمان با شعار ملی‌گرایی و باستان‌گرایی، با جدیت و خشونت تمام، تغییر لباس و هویت ایرانیان و غربی شدن اجباری آنان را نه از روی درک عمیق بلکه از سطحی نگری دنبال کرد. هویتی که از مهم‌ترین شاخصه‌های تمایز و جداسازی گروه‌ها و اقوام است مورد هجوم رضا پهلوی قرار گرفت.

اقدام نابخردانه رضاشاه در مردم‌ستیزی و هویت‌سوزی ایرانیان، واکنش و مقاومت جامعه متدین در مقابل حکومت، فشرده شدن نیروهای اجتماعی با فشار پهلوی، رویارویی علنی علماء و مردم با غربزده‌ها را به دنبال داشت و شاید دلیلی شد برای بروز سیاسی بیش از پیش علماء و متدینین. اگر در تجربه تحریم تنباکو مردم در مقابل قرارداد استکباری مقاومت کردند و در مشروطه نظاره‌گر بودند ولی در داستان کشف حجاب، خود را سرباز این جبهه و جهاد دانستند و در واقعه گوهرشاد، اولین تجربه جدی دوران خود را در بذل جان و عزیزانشان تجربه کردند و از ۱۷دی۱۳۱۴ تا زمان اخراج رضاشاه، دفاع مقدس هفت ساله فرهنگی را مدیریت کردند. تأثیر کشف حجاب بر اقتصاد و بازار نیز در برخی استان‌های آن زمان قابل ارزیابی است. وقتی که حجاب، مقدمه حضور مؤثر زنان در اجتماع است، با حذف مقدمه، در اصل زنان از حضور در اجتماع به عنوان یک انسان نه به عنوان یک مؤنث، محروم می‌شوند و به تبع آن، بازار نیز از رفت و آمد و خرید آنها محروم می‌شود.

اقدام اجباری و دیکتاتوری رضاشاه که در ابتدا برای خودش مشروعیت‌زدا شد، اگرچه با سکوت یا تأیید بسیاری از روشنفکران غربزده- که بعضاً از حمایت خود بازگشتند- مواجه شد ولی دلیل دیگری برای اثبات این نکته شد که روشنفکران در شعار خود که مبارزه با استبداد و دیکتاتوری بود، دچار چالش هویتی و نفاق هستند و هویت مستقلی برای ایرانیان قائل نیستند. در کنار این چالش بزرگ، شکاف عمیقی بود که رضاشاه با کشف حجاب در بافت اجتماعی و یکدستی و اتحاد کشور ایجاد کرد و آن، رودررو قرار دادن زنان بی‌حجاب، در مقابل زنان متدین و روشنفکران، در مقابل علماء و روحانیون؛ و غربزده‌ها در مقابل متدینین بود. سیاستی که اکنون و پس از حدود ۱۰ سال، زمینه‌سازی، از آزادی‌های یواشکی و چهارشنبه‌های سفید و آغوش رایگان و... پاییز ۱۴۰۱ که اوج آن بود رسید و تاکنون به صورت جدی در سطوح مختلف اجتماعی ایران توسط دشمنان درحال پیگیری است.

نتیجه اقدامات رضاشاه، تفکیک و تجزیه ایران بود که پس از آن نیز توسط محمدرضای پهلوی پیگیری شد و با انقلاب اسلامی متوقف شد و در اغتشاشات سال گذشته دشمنان، سلطنت‌طلب‌ها و منافق‌ها، به وضوح از آن سخن گفتند و برایش دعوت به آشوب کردند. نکته مهم دوران دیکتاتوری رضاشاه، همراهی مجلس ملی دهم و اثبات فرمایشی بودن نمایندگی آن دوران است که در مدت ۷۱ جلسه‌ای که مصادف با واقعه مسجدگوهرشاد و اعلام اجباری شدن کشف حجاب بوده، هیچ سخنی در مورد این دو اقدام مهم در مجلس ایراد نشده است. در کنار این دست‌نشانده‌ها، بهائیان اولین گروهی بودند که به حمایت از کشف حجاب پرداختند و آن را ترویج کردند نکته دردناک این است که رضاشاه، بهائیان را وسیله مناسبی برای سرکوبی نهادهای دینی و روحانیون و مردم ایران می‌دانست.

غیر از حضور علماء و بنیه اعتقادی مردم، عامل دیگری که طرح یکدست کردن لباس و کشف حجاب را به شکست رساند این بود که این طرح‌ها بر مبنای خواست و نیاز مردم و ضرورت اجتماعی نبود بلکه اجرائی کردن طرح انگلیسی بود که با سفر رضاشاه به ترکیه آغاز شد. او پیشرفت را نه در علم و دانش و نظم و تلاش و استقلال، که در غربی شدن و سنت‌ستیزی و تغییر لباس اجباری زنان و مردان می‌دید. در اصل، قیام مسجد گوهرشاد تلاش و مبارزه مردم ایران برای حفظ هویت ملی و دینی خود بود و پیامد آن را در تثبیت این هویت می‌توان دید. هویتی که پیشینه‌اش می‌گوید زنان ایرانی در طول تاریخ، هرگز برهنه نبوده و در همه زمان‌ها پوشیدن موی سر و داشتن لباس‌های بلند و شلوار و چادر و پرهیز از اختلاط‌های آلوده رایج بوده است، به گونه‌ای که برخی محققان، پوشش اسلامی را نتیجه تعامل فرهنگی بین اعراب و ایرانیان می‌انگارندکه مهر تأیید اسلام را خورده است.

محمدهادی صحرایی

اعتراض کنعانی به بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه:

جزایر سه‌گانه ایرانی تا ابد متعلق به ایران هستند

سخنگوی وزارت امور خارجه مطالب مندرج در بیانیه مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه درباره جزایر سه‌گانه ایرانی را مردود خواند و تصریح کرد: این جزایر تا ابد متعلق به ایران هستند و صدور این‌گونه بیانیه‌ها با روابط دوستانه ایران و همسایگان مغایرت دارد.

در بیانیه مشترک وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه باز هم درباره جزایر سه‌گانه ایرانی مطالبی عنوان شد که واکنش ناصر کنعانی سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشت.

در این نشست از تلاش‌های امارات عربی متحده برای راه‌حل مسالمت‌آمیز به منظور حل مسئله جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق گفت‌وگوهای دوجانبه و یا مجامع بین‌المللی حمایت شده است.

در همین خصوص ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه دیروز (سه‌شنبه) مطالب مندرج در بیانیه مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه درخصوص جزایر سه‌گانه ایرانی را مردود خواند و تصریح کرد: این جزایر تعلق ابدی به ایران داشته و صدور این‌گونه بیانیه‌ها با روابط دوستانه ایران و همسایگان مغایرت دارد.

وی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر استمرار سیاست حسن همسایگی و احترام متقابل، توسعه و ثبات منطقه را مسئولیت جمعی کشورهای منطقه می‌داند.

مقامات جمهوری اسلامی ایران پیش از این و به کرات جزایر سه‌گانه را جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر و ابدی خاک جمهوری اسلامی ایران خوانده و هرگونه ادعایی را در این زمینه محکوم کرده‌اند.

واکنش کنعانی به مباحث مطرح شده درباره میدان نفتی و گازی آرش

«سعد البراک» وزیر نفت کویت در اظهاراتی مدعی شد که این کشور و عربستان سعودی درباره میدان نفتی و گازی آرش (الدره) از حق انحصاری برخوردارند و از ایران خواست که اقدام به تعیین مرزهای دریایی خود و اثبات ادعای خود در قبال این میدان گازی کند.

اظهارات وزیر نفت کویت در حالی مطرح شده که «احمد ناصر المحمد الصباح» وزیر خارجه سابق کویت پیش از این (نهم فروردین ۱۴۰۱) گفته بود: میدان گازی الدره (آرش)، یک موضوع سه‌جانبه بین ایران، کویت و عربستان است.

روز دوشنبه ۱۹ تیر ماه نیز یکی از خبرنگاران از ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره میدان گازی آرش و ادعای عربستان و کویت در این خصوص سؤال کرد که وی در این باره گفت: در چارچوب گفت‌وگوهای دوجانبه با مقامات دولت کویت در حال پیگیری این موضوع هستیم.

وی عنوان کرد: این موضوع به همراه تحدید حدود دریایی، از موضوعات مورد مذاکره ایران و کویت بوده است و آخرین دور مذاکرات حقوقی و فنی در این خصوص در ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ در تهران بین هیئت‌های ایرانی و کویتی در سطح مدیران ارشد وزارتخانه‌های خارجه دو طرف برگزار شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: موضوعات مربوط به تحدید حدود دریایی و بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی مشترک، با مدنظر قرار دادن منافع مشترک و اصل حسن همجواری با همه همسایگان از جمله کویت همواره مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

کنعانی همچنین تأکید کرد: سیاست دولت سیزدهم مبتنی بر گفت‌وگو، همکاری و مشارکت است و مسائل فیمابین در این چارچوب دنبال خواهد شد.

آمریکا به توقیف نفتکش حامل سوخت قاچاق از سوی سپاه اذعان کرد

سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین بدون اشاره به رفتار غیرقانونی و غیرحرفه‌ای نیروی دریایی خود، به توقیف یک نفتکش حامل سوخت قاچاق توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اذعان کرد.

در پی توقیف نفتکش خارجی حامل سوخت قاچاق توسط نیروی دریایی سپاه، یک رسانه آمریکایی به نقل از یک سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریای آمریکا در بحرین، توقیف این نفتکش را تأیید کرد.

«تیم‌هاوکینز» سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین به پایگاه خبری المانیتور گفت: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ۶ ژوئیه یک کشتی تجاری را که احتمالا در فعالیت‌های قاچاق نقش داشته و در حال عبور از خلیج‌فارس در آب‌های بین‌المللی بوده است به اجبار توقیف کرد.

به گزارش ایرنا، هاوکینز افزود: نیروهای دریایی آمریکا تجهیزات دریانوردی را اعزام کرد تا به دقت وضعیت را رصد کنند. در نهایت، ارزیابی نیروهای دریایی فرماندهی مرکزی این بوده که شرایط این رخداد متضمن پاسخ فراتر نیست.

این سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین گفت: نیروهای دریایی آمریکا برای صیانت از حقوق کشتیرانی در عبور و مرور دریانوردی قانونی در آب‌های مهم خاورمیانه هوشیار و آماده هستند.

لازم به ذکر است، دریادار دوم رمضان زیراهی، فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه در جمع خبرنگاران با اشاره به جزئیات توقیف نفتکش خارجی حامل سوخت قاچاق گفت: یک فروند شناور خارجی با بیش از یک میلیون لیتر سوخت قاچاق که در مرز آب‌های ایران در خلیج‌فارس توقیف شد، از پشتیبانی نظامی آمریکا برخوردار بود اما رزمندگان نیروی دریایی سپاه با اقتدار آن را توقیف و خدمه متخلف را دستگیر کردند.

وی افزود: صبح روز پنج‌شنبه ۱۵ تیر ساعت ۱۱ و بیست دقیقه رزمندگان منطقه دوم نیروی دریایی سپاه، یک فروند شناور با نام تجاری(NADA۲) که به‌صورت سازمان‌یافته به قاچاق نفت گاز جمهوری اسلامی در خلیج‌فارس اقدام کرده بود را بازرسی کردند که آمریکایی‌ها برای ممانعت از این اقدام قانونی، یک‌سری تحرکات غیرحرفه‌ای و مخاطره‌آمیز را انجام دادند.

به گزارش رجانیوز، فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه تصریح کرد: رزمندگان این منطقه در زمان بازرسی و توقیف متوجه شدند که کاپیتان شناور متخلف با مرکز کنترل و فرماندهی آمریکایی‌ها در منطقه در حال مکالمه برای فرار است.

سردار زیراهی بیان کرد: در مکالمه‌های ضبط شده مامور مرکز کنترل و فرماندهی آمریکایی به کاپیتان این کشتی مشخص شده که این مامور به کاپیتان کشتی می‌گوید: موتور شناور را خاموش کنید تا نیروهای نظامی آمریکایی برای کمک برسند.

وی ادامه داد: آمریکایی‌ها برای این منظور مبادرت به پرواز درآوردن ۲ فروند جنگنده رزم سطحی a۱۰، یک فروند هواپیما با سرنشین شناسایی p۸a، دو فروند بالگرد c howk، یک فروند هواپیمای بدون سرنشین mq ۹ و اعزام شناورهای گشتی آمریکایی به محل توقیف کردند و تا آخرین لحظه هم تلاش کردند که مانع توقیف شناور متخلف شوند.

سردار زیراهی یادآور شد: رزمندگان منطقه دوم دریایی سپاه با تسلط، هوشیاری، رفتار حرفه‌ای و اخطار قاطع به تمام پرنده‌های با سرنشین و بدون سرنشین و شناورهای آن‌ها، با اقتدار شناور متخلف توقیف شده را تا لنگرگاه بندر بوشهر برای سیر مراحل قانونی هدایت کردند.

فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه، اقدام غیرقانونی و غیرحرفه‌ای آمریکایی‌ها در تلاش برای فراری دادن شناورهای متخلف قاچاق سوخت در خلیج‌فارس را سابقه‌دار عنوان کرد و افزود: آمریکایی‌ها در موارد متعددی از طریق نیروهای نظامی خود در خلیج‌فارس به حمایت از شناور و نفتکش‌های قاچاق سوخت و متخلف پرداخته‌اند و با پرواز جنگنده و اعزام شناور گشتی برای فرار آن شناورها اقدام کرده‌اند اما همواره با هوشیاری، دقت عمل و اقتدار رزمندگان نیروی دریایی سپاه مواجه شده و تمام آن اقدامات مایه ذلت و سرافکندگی آنها شده است.

گفت و شنود

آی گفتی!

گفت: چه خبر؟!

گفتم: رابرت کندی، نامزد ریاست جمهوری آمریکا گفته است؛ آمریکا تقریباً در همه کشورهای جهان روزنامه‌نگارانی را در استخدام خود دارد و به آنها حقوق و دستمزد می‌دهد تا در گزارش‌ها و نوشته‌های خود منافع آمریکا را تامین کنند.

گفت: تاکنون ده‌ها بار از روزنامه‌نگاران غربگرا و روزنامه‌های مدعیان اصلاحات خواسته شده که توضیح بدهند چرا مواضع آنها با مواضع و خواست رسماً اعلام شده دولت آمریکا مو نمی‌زند؟! و هنوز به این سؤال پاسخی نداده‌اند!

گفتم: مرد حسابی! چه جوابی دارند که بدهند؟! وقتی دقیقاً مواضع آمریکا علیه ایران را منتشر می‌کنند، دیگر جای انکاری باقی نمی‌ماند! باید از مراکز اطلاعاتی پرسید که مگر از جنگ نرم دشمن بی‌خبرند؟ و مگر نباید پادوهای دشمن را شناسایی و با آنها مقابله کنند؟! چرا به وظیفه خود عمل نمی‌کنند؟!

گفت: شاید در این توهم هستند که همه این همراهی‌ها و همسویی‌ها با دشمنان تصادفی است!

گفتم: دزدی وارد جالیز گوجه فرنگی شده و گوجه‌ها را می‌چید و درون کیسه می‌ریخت. صاحب مزرعه سر رسید و پرسید؛ مردک این‌جا چه می‌کنی؟ یارو گفت؛ باد مرا آورده! پرسید؛ گوجه‌ها را برای چه می‌چینی؟ گفت؛ دستم را به بوته‌ها گرفته‌ام که باد مرا نبرد! پرسید؛ ولی داری گوجه‌ها را درون کیسه می‌ریزی! گفت؛ آی گفتی! اتفاقاً این دیگر سؤال خود من نیز هست! بیا بنشین با هم فکر کنیم شاید جواب این سؤال را پیدا کنیم!

شورای همکاری خلیج‌فارس: دست صلح ما به سوی ایران دراز است

دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس با بیان اینکه کشورهای عضو این شورا روابط تاریخی با جمهوری اسلامی ایران دارند، گفت: همیشه دست صلح ما به سوی این کشور دراز است.

جاسم البدیوی دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس در ششمین نشست موسوم به «گفت‌وگوی راهبردی» بین روسیه و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس که در مسکو برگزار شد، ضمن پایبندی کشورهای عضو این شورا به تقویت روابط با روسیه و حل و فصل اختلافات، درباره رابطه با جمهوری اسلامی ایران گفت: روابط تاریخی با ایران داریم و همیشه دست صلح ما به سوی این کشور دراز است. البدیوی ضمن ابراز امیدواری نسبت به عملی شدن اظهارات تهران درباره رابطه با کشورهای شورای همکاری، روابط این کشورها با روسیه را برجسته خواند و گفت که هدف این شورا، «ایجاد روابط مستحکم و قوی است؛ به نحوی که در همه زمینه‌ها به سود طرفین باشد.»

دبیر شورای همکاری ضمن اعلام حمایت از میانجیگری برای حل سیاسی بحران اوکراین و تمدید توافق صادرات غلات، تأکید کرد: همکاری با روسیه در اوپک پلاس، تأثیر مثبتی در بازار نفت داشته است. شورای همکاری خلیج‌فارس فروردین ماه گذشته بر تداوم اقدام مشترک کشورهای عضو این شورا و حل اختلافات با ایران به شیوه‌های مسالمت‌آمیز تاکید کرد. وزرای خارجه عضو این شورا در بیانیه پایانی این نشست، بر ضرورت اجرای چشم‌انداز ملک سلمان بن عبدالعزیز آل‌سعود، پادشاه عربستان درخصوص طرح تقویت اقدامات مشترک خلیج‌فارس مصوب در سال ۲۰۱۵، نیز تاکید کردند.

در این نشست از توافق از سرگیری روابط میان عربستان سعودی و ایران استقبال و ابراز امیدواری شد که این اقدام، گامی در مسیر حل اختلافات و پایان دادن به درگیری‌های منطقه‌ای از طریق گفت‌وگو باشد.

شورای همکاری خلیج‌فارس در ادامه از تلاش‌های عمان و عراق برای تسهیل روند گفت‌وگو میان ریاض و تهران و میزبانی برای نشست‌های متعدد میان مقامات ایرانی و سعودی تقدیر کرد.

خبر ویژه

کلاه اوباما بس نبود که می‌خواستید ترامپ را هم امتحان کنید؟!

یک دیپلمات سابق و غربگرا گفت: سیاست خارجی ما نامتوازن است و ما امتحان نکردیم که ببینیم با ترامپ به توافق می‌رسیم یا نه.

کوروش احمدی به سایت اجاره‌ای «انتخاب» گفته است: سیاست خارجی هر کشوری باید بر مبنای تامین منافع ملی و امنیت ملی کشور استوار باشد. تنها در این صورت است که سیاست خارجی کشور برای همه جهانیان قابل درک و پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود و از آنجا که در چنین صورتی رفاه مردم باید قاعدتا در درجه اول اهمیت قرار گیرد و الزامات جغرافیای سیاسی کشورها تقریبا ثابت است، سیاست خارجی کشورها نیز کم و بیش ثابت است و با تغییر دولت‌ها چندان دستخوش تغییرات اساسی نمی‌شود. در چنین صورتی، دیگر کشورها براساس مولفه‌ها و عواملی که برایشان روشن و قابل درک است، وارد تعامل با کشور مدنظر می‌شوند. دوم اینکه سیاست اعم از داخلی و خارجی یعنی کار در حوزه ممکنات! یعنی دامنه خواسته‌ها و اهداف هر کشور در روابط بین‌الملل باید متناسب با امکانات و مقدورات کشور باشد. اهدافی که مقامات ما برای سیاست خارجی کشور، به‌ویژه در سطح منطقه تعریف کرده‌اند، تناسبی با امکانات کشور ندارد. سوم اینکه ثابت شده که سیاست خارجی بدون توازن راه به جایی نخواهد برد. سیاست خارجی ما بسیار نامتوازن است و از این نظر و به‌ویژه با توجه به مشکلات فزاینده روسیه، شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که چین عملا به تنها مفر ما تبدیل شده است.

وی درباره زیان‌های سیاست خارجی گفت: بزرگ‌ترین فاجعه‌های ملموس و مشهود در سیاست خارجی هر کشوری یکی اشغال کشور است، یکی تحریم کشور. ما اشغال را در اوائل انقلاب شاهد بودیم که شاید می‌شد با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک و سیاسی جلوی آنها گرفت. تحریم ایران نیز نباید تا این حد به طول می‌انجامید. در یک مقطع مقامات انعطاف نشان دادند و برجام عملی شد. ترامپ اگرچه غیرمتعارف‌ترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا بود، اما ما نیز امتحان نکردیم که ببینیم می‌توانیم با او به یک توافق حداقلی برسیم یا خیر. در دوره بایدن نیز من واقعاً درک نمی‌کنم که چرا نتوانستیم با او به تفاهمی برسیم و برجام را احیا کنیم. هر تحریمی اگر دوام پیدا کند، می‌تواند عوارض درازمدت غیرقابل جبرانی برای کشور داشته باشد. وی در پایان گفت: فکر می‌کنم مجموعه‌ای از انگیزه‌ها در کار است. هم انگیزه‌های ایدئولوژیک و هم اقتصادی. البته شاید بی‌اطلاعی و نشناختن جهان و توهمات و تصورات ساده و نپخته مهم‌تر باشد. اگرچه «کاسبان تحریم» قطعاً مؤثرند، فکر نمی‌کنم که آنها تعیین‌کننده باشند. تصمیم را مقامات باید بگیرند و می‌گیرند و این کاسبان در غیاب یک پایگاه اجتماعی درخور اعتنا، ناچار به تبعیت خواهند بود.

در بی‌سوادی- یا غرض‌ورزی- دیپلمات سابق، همین بس که عدم توافق با دولتمرد آمریکایی ابطال‌کننده برجام را نکوهش می‌کند و درباره بایدن هم که حاضر نشد تعهد و تضمین درباره لغو پایدار تحریم‌ها و عدم تکرار عهدشکنی موجود را بدهد، به‌جای تخطئه طرف آمریکایی، طرف ایرانی را سرزنش می‌کند. او توضیح نمی‌دهد که برای چه باید مجددا با ترامپ توافق می‌کردیم و امتیاز مجدد می‌دادیم، در حالی که غربگرایان می‌گفتند با توافق برجام شق‌القمر و فتح‌الفتوح بزرگ قرن را کرده‌اند و آمریکا نمی‌تواند توافق را زیر پا بگذارد؟!

در موضوع قابل پیش‌بینی شدن سیاست خارجی هم باید گفت که غربگرایان با همین ادعا، ریل‌گذاری برجامی را پذیرفتند و سپس اذعان کردند که آماده واگذاری امتیازهای بیشتر با برجام دو و سه هستند. این در حالی بود که تمام پیش‌بینی‌ها یا تصویرسازی موهوم همین جماعت درباره رفتار سازنده و توأم با حسن‌نیت برعکس از آب درآمد و معلوم شد آمریکا و اروپا به‌واسطه برخی دلالان و نفوذی‌ها کلاهبرداری کرده‌اند.

در موضوع مقدورات و ممکنات سیاست خارجی هم باید توجه داشت که تولید و صیانت از منابع قدرت ملی شرط توافق قدرتمندانه و معتبر است و برعکس، واگذاری یک‌سویه منابع قدرت صرفا در مقابل وعده‌های نسیه حریف، همچنان که موجب باج‌گیری افزون‌تر طرف مقابل می‌شود، نشانه ساده‌لوحی یا بازی گویندگان گزاره مذکور است.

هم‌میهن: عربستان فهمیده که باید با ایران قوی کنار بیاید

روند قدرت‌افزایی ایران و تضعیف موقعیت غرب، عربستان را به این تلقی رساند که به جای تقابل با ایران، مسیر تعامل را در پیش بگیرد.

روزنامه هم میهن از قول « علم صالح» استادیار مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیا نوشت: روند و اتفاقات اخیر، دلایل و ریشه‌های تاریخی دارد که منجر به تحولی با عنوان عادی‌سازی روابط ایران و عربستان شده است.

این تحول فقط به دلیل ازسرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان حائز اهمیت نبوده و برای اولین بار می‌بینیم کشورهای منطقه تا حدود زیادی به‌تنهایی مسیر راهبردی خود را بدون در نظرگرفتن قدرت غربی پیش می‌برند. در سطح کلان بین‌المللی، شاهد تغییر در معادلات قدرت در سطح جهانی هستیم و قدرت‌های نوظهوری در جهان رو به رشد هستند که قدرت غرب یا قدرت‌های سنتی غربی را که تا به حال تعیین‌کننده شکل و شمایل سیاست جهانی بودند، به چالش کشیده‌اند؛ قدرت‌هایی مانند چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی و در سطح منطقه‌ای و قدرت‌هایی مانند ایران موفق شدند تا سلطه یا هژمونی غرب را به چالش بکشانند.

در سطح منطقه‌ای حداقل طی ۲۰ سال اخیر شاهد منازعات بسیار تلخی بودیم که در نهایت تا حدودی به آغازی بر پایان سلطه غرب در خاورمیانه منجر شد و دلایلش را می‌توان در مصادیقی چون خروج آمریکا از افغانستان، عراق، سوریه، یمن و حتی لیبی شاهد باشیم و تا حدود زیادی شاهدیم که غرب حداقل به اهداف استراتژیک خود در این کشورها یا منطقه نرسید، ولی این تحولات باعث شد کشورهای منطقه دیدگاه‌های استراتژیک خود را تغییر دهند، بهبود ببخشند یا نوعی دیگر فکر کنند. برای اولین بار می‌بینیم کشوری مانند عربستان به آمریکا «نه» می‌گوید و این «نه» چندین بار درخصوص مسائل بسیار مهمی تکرار می‌شود.

به‌طور قطع ایران همیشه در سیاست‌هایش موضوع عدم حضور آمریکا در منطقه را دنبال کرده و این امر جدیدی نیست؛ اما این همسویی یا نزدیک شدن اهداف و دیدگاه‌های عربستان و ایران درباره دوران پساآمریکایی در منطقه یک امر جدید است.

چیزی که ما را نسبت به آینده خاورمیانه جدید که منظور خاورمیانه پسامنازعاتی و پساآمریکایی است امیدوار می‌کند این است که تغییراتی که در ایران و عربستان افتاده، تغییرات ساختاری است و تغییرات ساختاری اموری نیستند که به‌راحتی و به‌زودی تغییر کنند. برای مثال در تغییرات ساختاری در ایران دو چیز را می‌شود نام برد که یکی استقلال سیاسی و دیگری قدرت نظامی است و اینها اموری نیستند که به‌زودی تغییر کنند و عربستان هم این دو را می‌داند و متوجه این واقعیت می‌شود که ایران قدرت موشکی است.

عربستان به یک بلوغ سیاسی رسیده که بتواند برای خودش تعیین‌تکلیف کند و امنیت خود را از یک امنیت وابسته به غرب و مخصوصاً آمریکا به یک امنیت پایدار برساند. برزیل، ایران و آفریقای جنوبی کشورهایی هستند که می‌توانند جایگزین باشند. این دقیقاً همان کاری است که ایران می‌کند و منجر به این تحول شده که ۱۰ سال است که غرب مجبور است پای ایران بنشیند و درباره کوچک‌ترین خواسته‌هایش مذاکره کند و بعضاً ماه‌ها مجبور است با دیپلمات‌های ایران صحبت کند و چانه‌زنی شود تا امتیازی بگیرد یا امتیازی بدهد؛ چیزی که قبل از این انجام نمی‌دادند و سنت این بود که فقط بگویند چه کاری باید انجام شود و تنها زبان تهدید وجود داشت.

عربستان هرگونه تلاشی که می‌توانست برای تضعیف ایران انجام دهد را عملیاتی کرد و به‌هیچ‌کدام از اهداف خود نه‌تنها نرسید، بلکه نتایج عکس گرفت. ریاض خواست آمریکا از برجام خارج شود و شد و عربستان و اسرائیل دو کشور منطقه‌ای بودند که در این مورد خیلی پرکار بودند. با این حال خروج از برجام نه‌تنها رفتار ایران را تغییر نداد، بلکه موجب شد ایرانی که سه، چهار درصد اورانیوم غنی‌سازی می‌کرد به توان غنی‌سازی ۸۴ درصد برسد و آمریکا هم هیچ کاری نکند. همچنین کمپین فشار حداکثری نه‌فقط قدرت موشکی ایران را تضعیف نکرد، بلکه قدرت موشکی و پهپادی ایران به گفته و اعتراف خود غربی‌ها بسیار پیشرفته شده است.

درخصوص حمله به آرامکو هم شاهد بودید که به‌رغم آن‌که عربستان انگشت اتهام را به سمت ایران گرفت، واکنش مورد خواست ریاض از سوی واشنگتن صورت نگرفت؛ موضوعی که عربستان و اسرائیل را به‌شدت نگران کرد که در نهایت امر آیا آمریکا می‌تواند به عنوان یک متحد قابل اعتماد باشد یا آمریکا امکان وارد شدن به جنگ با کشوری مثل ایران را دارد؟ آمریکایی که از طالبان شکست خورده که تکنولوژی ساخت یک تفنگ بادی را هم ندارد، چگونه می‌تواند با قدرتی که ماهواره به فضا پرتاب می‌کند، موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته دارد و در آستانه اتمی شدن است، وارد جنگ شود؟

عربستان به این نتیجه رسید که رضایت و مخالفتش در مورد مسیری که ایران در پیش می‌گیرد تاثیرگذار نیست و بهتر است با چنین کشوری کنار بیاید و مسیر خودش را برود. عربستان به این نتیجه رسید که مخالفتش و بهایی که برای رودررویی با ایران می‌پردازد در مقابل چیزی که به‌دست می‌آورد نه‌تنها ناچیز است، بلکه خیلی چیزها مانند امنیتش و امنیت سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهد.

بی‌بی‌سی: شورش‌های فرانسه فوران می‌کند چون قرار نیست مشکلات حل شود

شبکه دولتی انگلیس ضمن طرح این پرسش که چرا شورش حومه‌های شهری در فرانسه دائما فوران می‌کند؟ نوشت: معضلات منتهی به آشوب در فرانسه قرار نیست به این زودی‌ها حل شود و ریشه چندده ساله دارد.

وب‌سایت بی‌بی‌سی می‌نویسد: آتش گسترده شورشی که فرانسه را فرا گرفت، وضعیتی استثنایی نیست. شعله این اعتراض‌ها با قتل نائل ۱۷ ساله، از سوی پلیس روشن شد. این تراژدی بار دیگر مناطقی در فرانسه را که اصطلاحا «بانلیو» خوانده می‌شوند به مرکز توجه همگان آورده است، مناطقی در حومه شهرهای فرانسه که با موج دیگری از شورش روبه‌رو بوده‌اند.

اولین شورش بانلیوها سال ۱۹۷۹ در وو اون ویلن، حومه‌ای فقیر در لیون اتفاق افتاد. دو سال بعد سرقت یک خودرو جرقه چندین روز شورش را در ونسیو زد. مرگ دو جوان در همین منطقه در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۳ به اتفاقات مشابهی منجر شد. بدترین ناآرامی که تاکنون رخ داده است، سال ۲۰۰۵ بود. دو نوجوان در حالی که پس از فرار از پلیس در یک ایستگاه برق پنهان شده بودند، جان باختند. حومه‌های شهری همه‌جای کشور شعله‌ور شدند. خودروها به آتش کشیده شدند، مغازه‌ها غارت شدند و به پلیس حمله شد. این ناآرامی‌ها به سه هفته وضعیت اضطراری منجر شد.

از نگاه بعضی، خشونت نتیجه فقر و تبعیض است؛ بیماری‌های عمومیت یافته اجتماعی که برای مناطق مسکونی فلاکت‌زده در فرانسه، تقدیری جز ماندن در شکل حلبی‌آباد باقی نمی‌گذارد. دیگران شورش‌ها را در اساس معضل نظم و قانون می‌دانند؛ دار و دسته‌های تبهکار و مجرمان خرده‌پایی که از خشم عمومی علیه مرگی تراژیک، بهانه‌ای برای گستراندن بذر هرج‌ومرج می‌سازند.

اما هر نگاهی که به بانلیوهای فرانسه داشته باشید، معضلات آنها مدت‌های طولانی است که از سوی مقامات این کشور به رسمیت شناخته شده است و بنا نیست به‌زودی حل شوند.

طی ۲۰ سال گذشته بیش از ۶۰ میلیارد یورو برای طرح عظیم نوسازی بلوک‌های ساختمانی و ساختن خانه‌های جدید و همچنین تقویت امکانات و زیرساخت‌های بانلیوها هزینه شد. اما نتیجه این اقدامات دولتی چندان چشمگیر نبود.

فقیرترین محله‌ها که اکنون برچسب «محله‌های دارای اولویت» را بر خود دارد، خانه بیش از ۵ میلیون انسانی است که یا مهاجرند یا نسل سوم یا چهارم آنها را تشکیل می‌دهند. براساس یافته‌های اندیشکده مونتان، احتمال بیکاری ساکنان این محلات سه برابر بیشتر از نقاط دیگر است.

رابطه با پلیس مشکل بزرگ دیگری است. بسیاری از مردانی که پیشینه خانوادگی در میان مهاجران دارند، از هدف قرار گرفتن به دلایل نژادی و تبعیض از سوی افسران پلیس شاکی هستند.

تنش‌های دیرینه به چرخه‌ای غم‌انگیز دامن می‌زنند؛ هر مرگ به انفجار خشونت منجر شده و پاسخ پلیس هرچند ضروری باشد، بذرهای بی‌اعتمادی بیشتری را می‌کارد.

شاید بتوانیم نتیجه بگیریم که تمام اقدامات برای آوردن حومه‌ها به جریان اصلی زندگی اقتصادی و اجتماعی، تلاش‌هایی پرخرج و طولانی بود که به شکست انجامید. آنها که در این مناطق مانده‌اند باید میزان زیادی از فقر، بیکاری و خشونت را تحمل کنند. احتمال اینکه این افراد سروکارشان به نیروهای اعمال قانون بیفتد دو تا سه برابر بقیه فرانسوی‌ها است. آنها تنها می‌توانند به این امید زندگی کنند که پیش از فرا رسیدن موج بعدی شورش‌ها، از این محلات خارج شده باشند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳ - ۳۰۰۰۷۱۹۳۲

*رهبر انقلاب در جلسه با قوه قضائیه در مورد امنیت روانی مردم بیاناتی داشتند که مخاطب اصلی آن دستگاه قضا بود. آیا روزنامه‌های زنجیره‌ای را نمی‌بینیدکه با تیترهای اصلی در صفحه اول دائما با یاس‌آفرینی خوراک برای بلندگوهای جریان سلطه درست می‌کنند؟ رئیس‌قوه هم که بر برخورد با عوامل ناامنی روانی در جامعه تاکید کرد. پس چرا برخورد قاطع صورت نمی‌گیرد؟

نیک‌نام، شکیبا ، علیمردان و...

* چقدر تحقیرآمیز بود وقتی جلوی یک هواپیما وارد شده به کشور بعد از برجام گوسفند قربانی کردیم و چه عزتمندانه است که حالا بدون برجام، ۵۰ هواپیما به ناوگان هوایی کشور اضافه شد و چه شگفت‌آور است که خیلی‌ها اصلا متوجه نشدند یا خودشان را به نفهمی زدند!

عالی وند

* آقای گروسی در ملاقات قبل از ایران خواسته‌ای داشت و پذیرفته شد و دوربین‌های بیشتری نصب کردید، اما اوبه‌جای قدردانی، اخیرا مصاحبه کرد و گفت همکاری با ایران درسطح مطلوب نیست! جا دارد دستگاه دیپلماسی بار دیگر به او اجازه ملاقات و سفر به ایران را ندهد تا موضع خصمانه و باجخواهانه خود را اصلاح کند.

سعیدی

* کسانی‌که مقهور فرهنگ مبتذل غرب و مفتون شعارهای فریبکارانه آنها هستند و تا نام غرب برده می‌شود آب از لب ولوچه آنها سرازیر می‌شود ببینند که انگلستان اجازه اقامه نماز در مسجد به مسلمانان کشورشان نمی‌دهند و به جای آن، غربی‌ها به اسم آزادی اجازه آتش زدن قرآن صادر می‌کنند!

بهیاری

* دکتر قالیباف از همه نخبگان جامعه دعوت نموده است تا در تدوین لایحه عفاف و حجاب دیدگاه‌های خود را روی پایگاه الکترونیکی مجلس به نشانی majlesyar.parliran.ir ارائه دهند.

کشاورز

*امروز میدان نبرد اصلی در مسئله کشف حجاب، مدیریت صحیح فضای مجازی (به‌طور خاص، تلگرام و اینستاگرام) است. یکی ازمیدان‌های اصلی نبرد، عرصه نظارت دقیق بر شبکه نمایش خانگی است. میدان نبرد اصلی، برخورد با سلبریتی‌های قبح شکن و هتّاک مرتبط با سفارتخانه‌های غربی است. میدان نبرد اصلی، برخورد با مافیای تولیدکننده و واردکننده و توزیع‌کننده لباس‌های نامناسب و با پول، افرادی را برای قبح‌شکنی و کشف حجاب‌های خیابانی اجیر و سازمان‌دهی می‌کنند. میدان نبرد اصلی، نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی پر اشکال ماست که خروجی‌هایش در کف خیابان دیده می‌شود. میدان نبرد اصلی، اندیشه‌های فرهنگی خطرناکی است که از ابتدای انقلاب در ذهن برخی کارگزاران و تصمیم‌سازان کشور نقش بسته است. طرف مقابل این نبرد، نفوذی‌هایی هستند که برای در امان ماندن خود از تیغ انتقاد، ما را مشغول به معلول‌های خیابانی و حواشی و امور غیر اولویت‌دار می‌کنند!

حاجی‌بیگی

* بی‌بی‌سی فارسی که در آشوب‌های پارسال ایران رکورد دروغ‌گویی را جابه‌جا کرد، حالا نگران اخبار جعلی فرانسه شده است! یک بام و دو هوای نفاق بی‌بی‌سی.

نبیونی

* چرا استان تهران در اجرای قانون جوانی جمعیت از نظر واگذاری زمین از سایر استان‌ها عقب‌تر است؟ از مسئولان امر درخواست می‌شود اهتمام بیشتری بنمایند.

صفری

* الان چندین ماه است که برای خرید اینترنتی لاستیک تایر اقدام کرده‌ام. هر بار با بهانه‌ای بی‌مورد مانند تایید نشدن تصویر کارت ملی و چندین مرتبه با پیغام شما امکان خرید ندارید مواجه شده‌ایم. لطفاً با رسیدگی به این موارد قابل تکرار جلوی گران‌فروشی لاستیک را بگیرید.

باقی‌زاده

*به‌عنوان یک کاسب سندی را در بانک خاورمیانه واقع در سعادت‌آباد در صندوق بانک به امانت سپرده‌ام. بانک سالانه پانصدهزارتومان کارمزد مطالبه می‌کند. واقعا دور از انصاف است. آیا نظارتی بر این دریافتی‌ها می‌شود؟

رمضانی

*سال ۱۳۶۱ به دستور امام راحل قطعه زمین‌هایی در تهرانسر (شهرک استقلال و ژاندارمری و...) به مردم از طریق بنیاد مستضعفان واگذار شد و افراد اقدام به ساخت مسکن ویلایی نمودند و از همان سال‌ها به دنبال سند منازل بودند. ولی تا به حال موفق به گرفتن سند نشده‌اند. حال که ساختمان‌ها فرسوده شده و برخی قصد نوسازی دارند شهرداری مطالبه ۴ تا۵ میلیارد تومان می‌کند. از دولت مردمی سیزدهم درخواست می‌شود مشکل ۴۴ ساله سند منزل مسکونی بیش از دوهزار ساکن این محله را مرتفع نماید.

ترابی

* طرح پتروشیمی حسین‌آباد مازندران که اکنون به نام شرکت صنایع پتروشیمی مازندران اعلام موجودیت کرده است، با توجه به جانمایی انجام‌شده خارج از توان اکولوژیک منطقه است، مفهوم توسعه پایدار در آن دیده نمی‌شود و آلایندگی آن امنیت غذایی و حیات انسان را به مخاطره می‌اندازد. از دولت محترم درخواست می‌شود برای ساخت این طرح تدابیر زیست محیطی لازم اتخاذ شود.

صمدی

* از جناب آقای ایمانی به جهت یادداشت روز دوشنبه ۱۹تیرماه تقدیر و تشکر می‌شود.

بیگ‌زاده و روشن

*بر اساس پژوهش‌های انجام شده همه استان‌های کشور به نوعی درگیر مشکل فرونشست زمین هستند باید در این مورد تا حوادث تلخ و ناگوار پیش نیامده فکری اساسی کرد.

وکیلی

* وزارت راه و شهرسازی اخیرا به متقاضیان مسکن ملی که مبلغ پیش پرداخت اولیه را واریز کرده‌اند، اعلام کرده است باید تعهد محضری دهند تا پایان پروژه و تحویل واحد مسکونی از درخواستشان انصراف ندهند. کاش دولت هم تعهدی برای تحویل بموقع واحدها به متقاضیان بدهد.

صادق منش

*در شرایطی که مردم در مشکلات و تنگنای اقتصادی زندگی می‌کنند برخی از هنرپیشه‌های مشهور یا همان سلبریتی‌ها تصاویر زندگی تجملی خود را در فضای مجازی به اشتراک نگذارند و به دل‌های اقشار محروم خنجر نزنند.

مرادخانی

*بعضی از وعده‌های دولت در مورد توزیع دارو با قیمت دولتی و مناسب هنوز به طورکامل عملی نشده است. بیمارانی چون بیماران هموفیلی در به در و سرگردان یافتن دارو هستند. قیمت‌های وحشتناک بعضی از داروها نیز مردم را آزار می‌دهد.

مرتضایی

* راه مقابله با قاچاق سوخت که بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون لیتر برآورد می‌شود این است که هر کس در هر جایگاهی که از بنزین و گازوئیل استفاده می‌کند مشخص باشد که کیست. این کار نیز دو راه دارد. اول از طریق کارت سوخت افراد که با آن سوخت‌گیری انجام می‌دهند. دوم اتصال کارت بانکی افراد به کارت سوخت است. یعنی فردی که در جایگاه، بنزین می‌زند از طریق کارت بانکی خود هزینه را پرداخت کند و این کارت به شبکه متصل شود و مشخصات فرد معلوم گردد. ولی شرکت پالایش و پخش وزارت نفت تاکنون این کار را نکرده است. چرا؟

مستوفی

* مدیرعامل محترم راه آهن جمهوری اسلامی ایران! باتوجه به نامه شماره ۱۳۳۶۰/۳۰۵/ص مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۰، مجری طرح بهره‌برداری از قطارهای حومه‌ای علی‌رغم موافقت آن مرجع با برقراری قطار تهران- قم ساعت ۸ و۵۰ دقیقه صبح و قم- تهران ساعت ۱۹و۱۰ دقیقه در فصل تابستان متاسفانه این امر واقع نگردید. لذا مقتضی است رسیدگی بفرمایید.

جمعی از خادمین حضرت معصومه (س)

*چرا باید به دختر قهرمان تکواندوکار ما که مدال طلای جهانی گرفته فقط ۵ میلیون جایزه بدهند؟ واقعا خیلی بی‌انصافی بود. امیدواریم به همت و تلاش مسئولان امر جبران شود.

کلباسی

*سابق فقط فروشگاه شهر و روستا در بیشتر شهرها فعال بودند و برخی اجناس را با تخفیف به فروش می‌رساندند. حالا این همه فروشگاه زنجیره‌ای راه‌اندازی شدند، در یک خیابان چند نوع فروشگاه با نام‌های گوناگون فعال‌اند. این مسئله باعث شده تیشه به ریشه کاسبان محلی زده بشود. چه کسی مسئول متضرر شدن کاسبان خرده‌پا و محلی است؟

حزباوی